مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای ، شماره ۲۰ ، تابستان ۱۳۹۹جلد۱، ص ۶۳-۴۸
http://www.jase.ir

مقابله با تروریسم؛ رویکردها و راهبردها

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال ششم)
شماره ۲۰ / تابستان ۱۳۹۹ / ص ۶۳-۴۸

دکتر حسین شیخ‌زاده[۱]، محمد مزینی[۲]

[۱]استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران

[۲]دانش‌آموخته دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران

نویسنده مسئول:

دکتر حسین شیخ‌زاده

چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی رویکردها و راهبردها در مقابله با تروریسم می‌باشد به ویژه گروه تروریستی داعش می باشد. فرضیه تحقیق این است که حذف تروریسم نیازمند به کارگیری رویکردها و راهبردهای گوناگون است و نگاه تک بعدی به پدیده تروریسم مانع مبارزه جدی با آن می باشد. روش تحقیق کیفی و تحلیل است و داده ها از طریق مطالعه کتابخانه ای جمع آوری شده است. در این پژوهش چهار رویکرد نظامی-دفاعی، سیاسی-دیپلماتیک، اقتصادی-مالی و فرهنگی-اجتماعی جهت مقابله با گروه‌های توریستی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. مطابق نتایج تحقیق، در رویکرد نظامی می‌توان از راهبردهای: جنگ فراگیر و گسترده، جنگ پیشدستانه، جنگ پیشگیرانه و دفاع هوایی یا موشکی برای سرکوب تروریست ها بهره گرفت. راهبردهای سیاسی-دیپلماتیک راهبردهایی مانند حفظ نظم امنیتی موجود، مشارکت یا ایجاد ائتلاف بین‌المللی و عدم مداخله در امور کشورهای دیگر و تغییر وضع موجود،حمایت از جنبش های اجتماعی مخالف نظم موجود را در بر می گیرد. در راهبردهای اقتصادی-مالی می توان به اقداماتی نظیر مقابله با تامین مالی گروه های تروریستی، از بین بردن دارایی یا توانایی مالی تروریست‌ها، تنبیه و کیفر مالی و مقابله با فقر و محرومیت پرداخت. راهبردهای فرهنگی-اجتماعی نیز عبارتند از قطع ارتباط تروریست‌ها با اقشار اجتماعی به ویژه نخبگان جوامع، تغییر نگرش اعضای جوامع در معرض تهدید، مقابله با خرافات و عقاید واپس گرایانه و مواردی از این قبیل.

واژگان کلیدی:

مقابله با تروریسم، داعش، راهبرد، رویکرد

مقدمه:

در چارچوب مطالعات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و در مواجهه با پدیده تروریسم، آنچه غالباً موضوع مطالعه و تحقیق و بررسی قرار گرفته، شناخت ماهیت و چیستی این پدیده و روند تحولات آن بوده است و موضوعاتی مانند رویکردهای نظری مرتبط با ظهور و گسترش فعالیت گروه‌های تروریستی و نحوه واکنش دولت‌ها و جوامع به تروریسم و کنش‌های تروریستی کمتر مطمح نظر قرار گرفته است. موضوع نحوه مواجهه با تروریسم و گروه‌های تروریستی، عمدتاً در چارچوب مطالعات تروریسم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که به آن «ضدتروریسم» گفته می‌شود. امروزه این بخش از مطالعات تروریسم به دلیل گسترش کمی و کیفی گروه‌های تروریستی بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته و بحث و تبادل نظر پیرامون آن رونق گرفته است؛ در شرایط جدید گروه‌های تروریستی روز به روز نسبت به اسلاف خود پیچیده‌تر می‌شوند و به تناسب این پیچیدگی، خود را در برابر رویکردها و تکنیک‌های گوناگون ضدتروریستی، واکسینه می‌کنند تا به وضعیت فروپاشی دچار نشوند و بتوانند در برابر ضربات نظامی، سیاسی و اقتصادی مقاومت کرده و در پاسخ به عملیات ضد تروریستی دولت‌ها به بازتولید خود بپردازند. درهمین راستا در این پژوهش برای آشنایی با مبانی و رویکردهای نظری مختلف مقابله با تروریسم و ضدتروریسم ابتدا به بررسی و دسته‌بندی آنها در قالب چهار رویکرد نظامی-امنیتی، سیاسی-دیپلماتیک، اقتصادی و فرهنگی- اجتماعی می‌پردازیم. همچنین راهبردهای مختلف مقابله با تروریسم را نیز بر همین اساس مورد بررسی قرار می‌دهیم

۱. رویکردهای مختلف به تروریسم و ضدتروریسم

به طور کلی رویکرد به معنای خط‌مشی و روش برخورد با یک موضوع یا یک مشکل است. در ارتباط با موضوع مقابله با تروریسم نیز رویکردهای گوناگونی وجود دارد که آنها را در قالب چهار رویکرد نظامی-امنیتی، سیاسی-دیپلماتیک، اقتصادی-مالی و فرهنگی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱. رویکرد نظامی-امنیتی

در رویکرد نظامی-امنیتی به تروریسم، هدف اصلی برخورد نظامی با این پدیده است. در واقع این رویکرد به شکل آشکاری تمایل به استفاده از ابزار نظامی دارد و متضمن اقدام نظامی مستقیم علیه سازمان‌های شبه نظامی، به ویژه در شرایطی است که آن‌ها محل استقرار فیزیکی مشخصی داشته باشند. اگر به روشنی مشهود باشد که دولتی از آن‌ها حمایت می‌کند، ممکن است آن دولت نیز مورد آماج اقدامات تنبیهی قرار گیرد یا حتی بساط رژیمی که در آن کشور بر سر کار است، برچیده شود (راجرز،۱۳۹۰: ۲۷۷). رویکرد یا مدل نظامی- جنگی، شامل نبرد مسلحانه علیه تروریسم است که در مجموع سازوکاری مشابه جنگ دارد. اصطلاح «جنگ جهانی علیه تروریسم» که از سوی دولت آمریکا درسال ۲۰۰۱ اعلام شد، در چارچوب همین مدل قرار می‌گیرد. این مدل، تروریسم را به مثابه نوعی اقدام نظامی تصویر می‌کند و به زمینه‌های بروز تروریسم یا حتی پیامدهای مقابله نظامی و جنگی با آن توجه ندارد. در واقع طرفداران این رویکرد این واقعیت را نادیده می‌گیرند که بسیاری از گروه‌های تروریستی که از ابزارهای نامشروعی بهره می‌گیرند، بعضاً مردمانی را نمایندگی می‌کنند که برخی شکایت‌ها یا مطالبات مشروعی دارند یا مستظهر و متکی به اندیشه‌ها و اعتقاداتی هستند که مواجهه نظامی با آنها امکان‌پذیر نیست و بعضاً حتی به گسترش آن‌ها می‌انجامد (Buzan, 2006). باری بوزان، محقق و تحلیل‌گر سیاسی و امنیتی مؤسسه فناوری ماساچوست استدلال می‌کند که «اقدام تهاجمی و توانمندی‌های نظامی تهاجمی، مؤلفه‌های اساسی یک راهبرد موفق ضد تروریسم هستند (بوزان، ۱۳۷۸). هنگامی که رویکرد نظامی امنیتی از سوی یک دولت برای مقابله با تروریسم برگزیده می شود، همه برنامه های ضدتروریستی در چارچوب این رویکرد طراحی و اجرا می گردد.

۱-۲. رویکرد سیاسی-دیپلماتیک

هدف اصلی رویکرد سیاسی-دیپلماتیک استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز و دیپلماتیک برای مقابله با تروریسم و یافتن راه‌حل سیاسی برای پایان دادن به آن است. طرفداران این رویکرد معتقدند، برای مقابله صحیح و موثر با تروریسم باید به پیام سیاسی آن توجه نمود. با وجود اهمیت این رویکرد در مبارزه با پدیده ترور ، این رویکرد به نحو شایسته مورد استفاده قرار نمی گیرد. این ناکامی بیشتر علتی سیاسی و نه حقوقی دارد. مشکل اساسی این است که جامعه بین‌المللی هنوز نتوانسته است تعریف مورد وفاقی از تروریسم ارائه دهد دولت‌های سر خورده، ناتوان یا آن‌ها که قربانی جرایم اقتصادی و اجتماعی هستند یا از خود چنین چهره‌ای ترسیم می‌کنند از گردن نهادن بر تعریفی صرفاً شکلی یا مبتنی بر واقعیات از تروریسم سر باز می‌زنند. این دولت‌ها بی آنکه آشکارا تروریسم را بستایند، تلویحاً آن را توجیه می‌کنند و غالباً آن را آخرین حربه ضعفا به شمار می‌آورند. تصویب که جای خود دارد، آنها حتی از پذیرفتن تعریفی از تروریسم که آزادی عملشان را محدود سازد و احتمالاً به محکومیت مبارزاتی منتهی شود که اغلب مورد تحسین عمومی هستند، ابا دارند. یک نمونه از این موارد، جنگجویان جبههٔ مقاومت در جنگ جهانی دوم بودند که از سوی آلمانی‌ها تروریست خوانده می‌شدند، در حالی که متفقین آنها را قهرمان می‌دانستند. باید باب گفت و گو و گاه مذاکره‌ای واقعی با اشخاص یا سازمان‌هایی که از به رسمیت شناختن آنها امتناع داریم را گشود. البته دولت‌های قربانی هرگز راضی به انجام چنین امری نیستند، چه آنکه چنین تصور می‌شود حتی یک تماس سطحی و دور ممکن است در ظاهر نوعی مشروعیت بخشیدن به آرمان آن‌ها قلمداد شود و این چیزی است که دولت‌های قربانی اصلاً خوش ندارند. ولی با تحلیل بیشتر این توهم به سرعت رنگ می‌بازد، این واقعیت که یک عمل تروریستی غیر قابل توجیه است، نباید مانع از ارزیابی سیاسی موقعیت شود. کشف عمق سیاسی یک اقدام تروریستی مشخص، دست کم به منزله تأیید آن عمل که به هر حال عملی مجرمانه است، نمی‌باشد. با وجود این، شناسایی بعد سیاسی تروریسم بر برخورد با این معضل تأثیر می‌گذارد. باید به هر شکل به پیام تروریست‌ها پاسخ گفته شود و از این رو بعد سیاسی عمل ارتکابی باید مورد تأیید قرار گیرد. با این رویکرد می‌توان عمل ارتکابی را بهتر فهمید و چنین برخوردی لزوماً به نفع تروریست‌ها تمام نمی‌شود؛ زیرا ممکن است در نتیجه، تعداد بیشتری از دولتها یا جامعهٔ بین‌المللی در قالب سازمان ملل متحد آنها را محکوم بشناسند. بررسی بعد سیاسی خود پیشاپیش نوعی پاسخ است؛ نشانه‌ای است که به خوبی حکایت از آن دارد که پیام مورد نظر دریافت و جدی گرفته شده است. دولت‌های قربانی آشکارا از برقراری ارتباط با افرادی که مجرم می‌شناسند امتناع می‌کنند و به همین دلیل است که دیگر روش‌های سیاسی همچون تحقیق، میانجی‌گری یا سازش می‌تواند مفید باشد. در نمونه کلاسیک، ادعاهای ارضی و حق مردم برای خودگردانی یا حق اقلیتی برای تعیین سرنوشت خود مطرح است. نوع دیگری از تعارض که به تروریسم بین‌المللی منجر شده است به روابط شمال و جنوب باز می‌گردد، یعنی جدال میان ثروت و فقر؛ نمونه بین‌المللی و امروزی همان شورش گرسنگان. البته رویکرد سیاسی، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نداشته است؛ زیرا هنوز دولت‌ها بر اتخاذ اقدامی هماهنگ برای بررسی این معضل سیاسی پیچیده هم داستان نشده‌اند.

۱-۳. رویکرد اقتصادی-مالی

رویکرد اقتصادی-مالی عمدتاً ناظر به ایجاد تنگناهای مالی برای گروه های تروریستی می باشد؛ دولت ها و مجامع بین المللی با اتخاذ این رویکرد تلاش می کنند تا با استفاده از اهرم فشار مالی و ممانعت از تأمین مالی تروریست ها به مقابله با تروریسم بپردازند. این رویکرد برنامه های متعددی را در بر می گیرد؛ تصویب قوانین مبارزه با پولشویی، منع نقل و انتقال غیررسمی پول، نظارت دقیق بر تراکنش های بانکی و منع موسسات مالی نسبت به همکاری با گروه های تروریستی در چارچوب همین رویکرد به اجرا در می‌آید. کشورهایی که پیش‌تر مقررات مربوط به مبارزه با پولشویی را به تصویب رسانده و به اجرا در آورده‌اند، برای تصویب مقررات اضافی ناظر بر مبارزه با تأمین مالی تروریسم، کمتر دچار اشکال می‌شوند، ولی در مورد انجام اقدام‌های اجرایی اضافی شامل ردگیری و تعقیب مرتکبین تامین مالی تروریسم، لازم است تدابیر جدید اندیشیده شود. در آن دسته از کشورها که در هر دو موضوع مبارزه با پولشویی و مبارزه تأمین مالی تروریسم فاقد زیرساخت‌های حقوقی و اداری لازم می‌باشند، حصول نتیجه به مراتب دشوارتر خواهد بود. لذا ابتدا در این قسمت به راه‌هایی که تروریست‌ها هزینه‌های مالی خود را تأمین و یا

از آلودگی آشکار پاک می‌کنند پرداخته خواهد شد. (طیب، ۱۳۸۲ :۸۹) مبارزه با تأمین مالی تروریسم، هدف مهم و در عین حال دشواری است و موفقیت در این امر بستگی زیادی به توانایی کشورها در تصویب مقررات منطبق با استانداردها و بایسته‌های جهانی و همین طور برقراری سازوکارهایی برای اجرای کامل این مقررات دارد.

۱-۴. رویکرد فرهنگی-اجتماعی

رویکرد فرهنگی-اجتماعی در صدد برخورد فرهنگی با تروریسم بوده و اقدامات را معطوف به پیشگیری از شکل‌گیری زمینه‌های اجتماعی آن کرده است. از آنجا که فرهنگ و اجتماع دو مقوله در هم تنیده‌اند، آنچه در اجتماع به وقوع می‌پیوندد در بستر فرهنگ رخ می دهد. در واقع می‌توان میان هر یک از پدیده‌های اجتماعی و فرهنگ رابطه‌ای علت و معلولی برقرار کرد؛ از این رو جامعه و فرهنگ دو عنصرجدایی‌ناپذیر از یکدیگرند. امنیت به عنوان عنصری دیگر در ارتباط تنگاتنگ با این دو مفهوم است؛ به نحوی که امنیت، بقای فرهنگ و اجتماع را تضمین می‌کند و البته فرهنگ و اجتماع در شکل‌دهی و تعیین مفهوم امنیت ایفای نقش می‌کنند؛ به گونه‌ای که در جهان کنونی دولت‌ها الگوهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را پشت سر گذاشته و روابط میان آنها غالباً بعد فرهنگی یافته است. به عبارت دیگر هر چه زمان به جلو پیش می‌رود همه چیز بیش از پیش رنگ و بوی فرهنگی به خود می‌گیرد. تروریسم به عنوان پدیده‌ای اجتماعی[1] نیز به جای نسبت داده شدن به افراد خاص، به اجتماع یا جامعه نسبت داده می‌شود و بدین لحاظ محصول زندگی جمعی انسان‌ها به حساب می‌آید (پناهی، ۱۳۹۱: ۲۸) و بنابراین از این قاعده مستثنی نیست. ویلکینسون استدلال می‌کند که تبیین تروریسم باید در چارچوب اجتماعی، ایدئولوژی و اعتقاد تروریست‌ها متمرکز باشد. از دید وی قوی‌ترین ابزار برای درک تروریسم، کشف انگیزه‌های تروریسم و ارتباط آن با تاریخ، فرهنگ، ایدئولوژی و اهداف گروه‌های درگیر است (ایزدی و دبیری، ۱۳۹۲: ۹۹). شاهد این مطلب نیز ادعاهای فرهنگی و ایدئولوژیکی گروه‌های متعدد تروریستی، به ویژه گروه‌های تروریستی در غرب آسیاست. گرچه نمی‌توان تروریسم را پدیده‌ای کاملاً فرهنگی دانست، اما قسم مهمی از مسئله تروریسم مدرن و معاصر در اهداف، علل، روش‌ها و نتایج، متأثر از جنبه‌های فرهنگی است (Serafim, 2005: 62). اعضای گروه های تروریستی از میان اقشار مختلف جامعه با زمینه های مساعد فرهنگی جذب می شوند و مصون سازی شهروندان یکی از راهکارهای مقابله با عضوگیری گروه های تروریستی می باشد.

۲. راهبردهای مقابله با تروریسم

مقابله با تروریسم به اقداماتی تدافعی گفته می‌شود که برای کاهش آسیب‌پذیری‌های فردی و اجتماعی از اعمال تروریستی با استفاده از نیروهای نظامی، محلی و مدنی انجام می‌شود (Dod, 2009: 39). به عبارت بهتر فرایند مبارزه با تروریسم در عین حال که به معلول (اقدامات تروریستی) پاسخ می‌دهد، به علت‌ها و ریشه‌های تروریسم هم توجه دارد. از منظری دیگر مقابله باتروریسم به اقدامات، تکنیک‌ها، تاکتیک‌ها و استراتژی‌هایی گفته می‌شود که دولت‌ها، نیروهای نظامی و پلیس به منظور جلوگیری و پاسخ دادن به اقدامات یا تهدیدات تروریستی انجام می‌دهند (Nacos, 2005: 169-218). هر یک از رویکردهای مقابله با تروریسم نیازمند به کارگیری تعدادی از راهبردها می باشد

۱-۲. راهبرد نظامی-امنیتی

راهبردهای نظامی-امنیتی برای مقابله با تروریسم می‌تواند شکل تهاجمی یا تدافعی داشته باشد. در ذیل راهبرد تهاجمی می‌توان به انواع مختلف راهبردها از جمله راهبردهای جنگ فراگیر و گسترده، جنگ پیش‌دستانه، جنگ پیش‌گیرانه، و در ذیل راهبرد تدافعی می‌توان به اقداماتی مانند دفاع هوایی یا موشکی، عقب راندن تروریست‌ها از مرزها، و ... اشاره کرد که به اجمال به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم.

[1] Social phenomenon

2-۱-۱. راهبرد جنگ فراگیر و گسترده

استفاده نامحدود از کشفیات علمی و پیشرفت‌های فناوری در حوزه جنگ، باعث شد تا مفهوم «جنگ فراگیر» به معنی جنگی که نه تنها نیروهای نظامی، بلکه تمامی افراد غیرنظامی را فارغ از جنسیت یا سن آنها درگیر می‌کند، به واقعیت هولناک قرن بیستم بدل می‌شود.

جنگ فراگیر امروزه در عمل هنوز در دستور کار کشورها است و آمریکا و متحدانش پیشگام استفاده از آن هستند. این جنگ در تمامی عرصه‌ها جریان دارد و آمریکا، اروپا و رسانه‌های جهانی که آگاهانه به آن گردن می‌نهند، شریک جنایتی هولناک هستند. در مورد جنگ فراگیر آمریکا، رسانه‌ها همنوایی قابل توجهی با خط‌مشی‌های رسمی آمریکا دارند. آمریکا مرگ انسان‌های بی‌گناهی که از بد حادثه، در یک زمان نامناسب در مکان نامناسبی ایستاده‌اند و با فرود بمب‌های هواپیمایی دموکراسی‌ساز آمریکا جان می‌بازند را جنگجویان نظامی جنگ فراگیر می‌دانند (افتخاری و شبستانی، ۱۳۹۰). به کارگیری راهبرد جنگ فراگیر علیه تروریسم یکی از پرهزینه ترین راهبردها می باشد زیرا در این گونه جنگ ها معمولاً امکان هدف گذاری دقیق وجود ندارد و علاوه بر تروریست ها سایر شهروندان نیز مورد هدف قرار می گیرند

2-۱-2. جنگ پیشدستانه

اگرچه ادبیات مربوط به جنگ پیشدستانه حتی در کتاب تاریخی با عنوان «تاریخ جنگ‌های پلوپونزی» نیز مورد توجه قرار گرفته، اما طرح چنین الگویی در حقوق بین‌الملل مدرن، موضوعی جدید می‌باشد. پیشگیری و پیش‌دستی، ریشه در دو فعل تبعیت گرفتن و خرید کردن قبل از دیگران دارد. طبق لغت‌نامه وبستر، دو فعل که به این بحث مرتبط هستند عبارتند از: جلوگیری از قدرت یا امید به انجام یا موفقیت در آن و نیز دور کردن یک اتفاق. در این نوع از جنگ‌ها بنا بر آن گذاشته شده است که باید در انتظار جنگ و مبارزه بود. در واقع کشور مدنظر همیشه آماده حمله است. این یعنی ناامن شدن کشور، منطقه و دنیا که بسیار مورد نکوهش است. در واقع کشورها به جای آنکه به دنبال صلح پیشدستانه، مذاکره پیش‌دستانه، مصالحه پیشدستانه، گفت و گوی پیشدستانه باشند، صرفا به دنبال آن هستند که به یکدیگر حمله کنند. این اتفاق به معنای آماده بودن سلاح سرد و گرم در کشور است و یک تهدید برای امنیت همگان است. از تبعات این اتفاق، علاوه بر ناامن کردن دنیا، ترویج فرهنگ بی‌اعتمادی و خشونت است. در واقع اگر این اتفاق به صورت فراگیر بیفتد، دنیا به طرز فجیعی ناامن خواهد شد، چراکه بسیار بدتر از وضعیت فعلی، شاهد جنگ، جنایت و خونریزی خواهیم بود.

در حقوق بین‌الملل، به طور عام، توسل به زور ممنوع است، اما منشور ملل متحد، در دو مورد توسل به زور را مجاز می‌داند. مورد نخست، دفاع مشروع یا دفاع از خود است که در این خصوص، ماده ۵۱ منشور، حق کشورها در دفاع از خود را به رسمیت می‌شناسد. در صورت وقوع تجاوز، کشورها می‌توانند نسبت به دفاع از حق حاکمیت خود به زور متوسل شوند. مورد دوم، زمانی است که خود شورای امنیت به عنون مرجع حفظ و صلح امنیت بین‌المللی، مجوز توسل به زور را صادر نماید. با توجه به اینکه در مورد دوم، امکان توسل به حملات پیشدستانه و پیشگیرانه نامحتمل است، وقوع این نوع حملات فقط در حوزه دفاع از فرد معنا و مفهوم پیدا می‌کند. در این حوزه نیز قوانین حقوق بین‌الملل و رویه دولت‌ها نشان می‌دهد که فقط حمله پیشدستانه مورد قبول است. حقوق بین‌الملل، حمله پیشگیرانه را نمی‌پذیرد. از نظر این حقوق، اگر تهدید جدی باشد و کشور رقیب از خود تحرک نظامی زیادی در دریا، هوا و زمین نشان دهد که گویای آمادگی آن برای حمله باشد، کشور می‌تواند با رعایت اصولی مثل اصل تناسب، ضرورت، فوریت و تداوم، دست به حمله پیشدستانه بزند. به بیان دیگر، در این مورد نیز ملاحظات حقوقی به سرشت تهدید وابسته است. دولت مهاجم، باید آگاهی دقیق یا نسبتا دقیقی از حمله دشمن و اینکه به زودی به‌وقوع خواهد پیوست، داشته باشد.

این معیارهای محدودکننده، حملات پیشگیرانه را ممنوع و حملات پیشدستانه را مقید و مشروط می‌سازند. البته در سال‌های اخیر و به‌خصوص پس از حملات ۱۱ سپتامبر و گسترش تهدید به استفاده از سلاح‌های کشتارجمعی، برخی حقوق‌دانان به تجدیدنظر در معیارهای فوق پرداخته و می‌گویند حمله پیش‌نگرانه زمانی مورد قبول است که کشور مهاجم بداند در صورت دستیابی کشور رقیب یا دشمن به این سلاح‌ها، توان جلوگیری از تهدید و حمله آن را از دست خواهد داد. پیشنهاد دیگری که حقوق‌دانان مطرح می‌سازند این است که تروریست‌ها با توجه به ماهیت حمله‌شان، همیشه تهدید فوری قلمداد شوند. مشکل این دیدگاه در این است که چنین مجوزی، آزادی عمل بسیار زیادی برای کشور

مهاجم برای زدن ضربه نخست، حتی در حوزه حمله هسته‌ای قایل می‌شود. در عین حال، ضربه نخست بدون داشتن آگاهی قطعی صورت می‌گیرد. پایین بودن میزان قطعیت حمله، به‌خصوص در حوزه‌ای که عوامل محدودکننده دیگر در نظر گرفته نمی‌شود، خطرناک است و هزینه‌های اقدام را بالا می‌برد. در کنار عدم قطعیت حمله، عدم شفافیت مشروعیت نیز مطرح است. مشروعیت، مفهومی وسیع، انعطاف‌پذیر و شدیدا مبهم است که با توجه به قانونیت شکل می‌گیرد، اما تحت تاثیر عوامل دیگر نیز می‌باشد. این عوامل می‌توانند اصولا اخلاقی و برداشت افکار عمومی از موضوع و اقدام باشند که شاید با قانون نیز مطابقت نداشته باشد. قضاوت در مورد حقانیت اقدام (غیر از قانونی بودن)، ممکن است با گذشت زمان و یا بین مخاطبان گوناگون تغییر کند. همچنین در تصمیم‌گیری، حقانیت مهمتر از قانونی بودن است و در افزایش دستاوردها و کاهش هزینه‌های اقدام، تاثیر بیشتری دارد و در صورتی که چنین برداشتی از اقدام دولت وجود نداشته باشد، هزینه‌ها افزایش یافته و دستاوردها محدود خواهد شد.

2-۱-3. جنگ پیشگیرانه

جنگ پیشگیرانه یعنی تهاجم به دشمن برای کاهش خسارت های ناشی از حمله در شرایطی که حملهٔ دشمن قطعی است. این راهبرد عمدتا توسط ایالات متحده به عنوان روش مبارزه با تروریسم به کار گرفته شده است(اگرچه مبارزه با تروریسم صرفا به عنوان سرپوشی بر روی اهداف واقعی این اقدامات مورد استفاده قرار می گیرد) اتخاذ استراتژی حمله پیش‌دستانه و جنگ پیشگیرانه توسط دولت آمریکا و دولت‌های اروپایی موجب دگرگونی و تحول در عرصه نظام بین‌الملل و منطقه خاورمیانه و خلیج فارس شده است. کاهش نقش حقوق بین‌الملل و نادیده گرفتن نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد، عدم توجه به ثبات نظام بین‌الملل، بی‌توجهی به اصول حاکمیت ملی و عدم مداخله به عنوان قواعد اساسی نظام بین‌الملل مدرن، تحریک غیرضروری اقدامات تلافی جویانه «نامتناسب» از سوی تروریست‌ها و کشورهای متخاصم، سوق دادن قدرت‌های بزرگ به اتخاذ و اعلان استراتژی تهاجمی و ... از جمله پیامدها و آثار در پیش گرفتن راهبرد جنگ پیشگیرانه دول اروپایی و آمریکا در ابعاد حقوقی، سیاسی، نظامی و اقتصادی است. (قاسمیان و فلاح‌نژاد، ۱۳۸۷).

2-۴-۱. پس گرفتن سرزمین

در بسیاری از موارد نیروهای تروریست توانسته‌اند با خیانت داخلی بعضی از نظامیان در نیروهای خودی و یا از طریق نفوذ یا با استفاده از روش‌های جنگ ایضایی و استفاده از نفوذ اعتقادی و سادگی مردم محلی در میان جوامع نفوذ کرده و اقدام به اشغال قسمت‌هایی از سرزمین نمایند. البته پس از طی مدتی مردم محلی از تفاوت رفتاری و گفتاری این گروه‌های تروریست آگاه شده و از ادامه همراهی با این گروه‌ها صرفنظر می‌کنند. این تغییر وضعیت باعث می‌شود امکان مشخص شدن ستون پنجم دشمن یا خائنین داخلی پس از مدتی افزایش یابد و از اینجا به بعد است که نیروهای خودی فشار حداکثری برای بازپس‌گیری سرزمین خود را آغاز می‌نمایند.

2-۱- 5.دفاع هوایی یا موشکی

دفاع موشکی به سیستم، جنگ‌افزار یا فناوری‌هایی گفته می‌شود که برای تشخیص، ردیابی، جلوگیری یا از بین بردن حمله موشکی به کار می‌رود. دفاع موشکی در ابتدا برای دفاع در برابر جنگ‌افزارهای هسته‌ای نصب شده بر روی موشک‌های بالستیک قاره‌پیما طراحی گردید، اما بعدها برای مقابله با موشک‌های تاکتیکی و موشک‌های میدان جنگ کوتاه‌برد غیرهسته‌ای نیز مورد استفاده قرار گرفت. دفاع موشکی از زمان‌های پیش مورد توجه کشورها بوده است. در دهه ۱۹۶۰ بیشتر موشک‌های دفاعی در برابر موشک‌های بالستیک قاره‌پیما دارای کلاهک هسته‌ای بودند، اما در سال‌های اخیر عمدتاً پرتابه‌های غیرهسته‌ای گسترش یافته‌اند. جنگ‌افزارهای انرژی هدایت شده مانند لیزرها به اندازه محدودی گسترش یافته‌اند. کشورهایی مانند ایالات متحده، روسیه، فرانسه و هند کشورهایی هستند که اینگونه جنگ‌افزارهای دفاع هوایی را گسترش داده‌اند. در ایالات متحده دفاع هوایی در اصل به عهده نیروی زمینی بود، اما در سال‌های اخیر موشک‌هایی برای کاربری نیروی دریایی و نیروی هوایی نیز طراحی شده‌اند. دفاع هوایی به عنوان راهکار مقابله با تروریسم در مناطق مختلف از جمله در عراق و افغانستان مورد استفاده قرار گرفته است.

۶-۱-۲. عقب راندن تروریست‌ها از مرز

کشورها به دلیل داشتن مرزهای مشترک همواره با مخاطرات، چالش‌ها و تحولات عمده امنیتی در حوزه‌های ژئوپلتیکی و محیط امنیتی پیرامون خود مواجه بوده‌اند. تهدیداتی چون ناامنی نواحی مرزی، حمله به یگان‌های مرزی، انتظامی و نظامی، جنایت سازمان یافته، قاچاق مواد مخدر، جرایم تروریستی و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و معاند در کنار تحرکات قومی-مذهبی، به ویژه پس از پایان دوران جنگ سرد باعث به مخاطره افتادن مرزها و تجمع و حضور معاندین و گروه‌های تروریستی در مناطق مرزی به منظور انجام اقدامات تروریستی و خرابکارانه شده و در نهایت چالش‌های امنیتی برای کشورها ایجاد می‌کند. در چنین شرایطی کشورها با در پیش گرفتن راهبرد عقب راندن تروریست‌ها از مرز می‌کوشند امکان اثرگذاری آنها بر امنیت ملی را کاهش داده و حوزه ژئوپلیتیکی خود را ایمن سازند (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱).

۲-۲. راهبردهای سیاسی-دیپلماتیک

راهبردهای سیاسی-دیپلماتیک یا ناظر بر حفظ وضع موجود هستند یا به دنبال تغییر وضع موجود. در ادامه به اجمال به بررسی این راهبردها می‌پردازیم.

۱-۲-۲. حمایت از حرکت‌ها و جنبش‌های اجتماعی مخالف نظام موجود

جنبش‌های اجتماعی جدید در بستر جامعه مدنی شکل می‌گیرند و رشد می‌کنند یا سرکوب شده و از اهداف خود باز می‌مانند. مفهوم جنبش اجتماعی مانند بسیاری دیگر از مفاهیم علوم اجتماعی تعریف جامع و مانعی ندارد. جنبش‌های اجتماعی از دیدگاه متفکران کلاسیک مانند مارکس، وبر و سن سیمون کنش‌های جمعی در جهت تغییرات بنیادین در ساختارها و روابط اجتماعی و سیاسی هستند. گیدنز جنبش اجتماعی را کوشش جمعی برای پیگیری منافع مشترک از طریق اقدام جمعی در خارج از حوزه نهادهای رسمی تعریف می‌کند. دلاپورتا و دیانی چهار ویژگی برای جنبش‌های اجتماعی جدید معرفی می‌کنند: شبکه تعاملی غیررسمی، همبستگی و عقاید مشترک، کنش جمعی مبتنی بر تعارضات و به کارگیری اعتراض (دلاپورتا و دیانی، ۱۳۹۰: ۸۷-۸۶). جنبش‌های اجتماعی چه در قالب کلاسیک و چه به صورت نوین همواره یکی از ابزارهای اعمال نفوذ قدرت‌های بزرگ بوده و بسیاری از قدرت‌های بین‌المللی یا منطقه‌ای از آنها برای پیشبرد سیاست‌های خود، به ویژه در راستای تغییر وضع موجود استفاده کرده‌اند. به کارگیری این روش در برخی موارد به جای سرکوی تروریسم موجب شکل گیری و تقویت گروه های تروریستی می شود.

۲-۲-۲. حفظ نظم امنیتی موجود

تامین امنیت ملی از یک سو به شرایط تأمین و حفظ موجودیت نظام در درون مرزها و از سوی دیگر به توانایی‌های نظام در محیط پیرامونی بستگی دارد. در واقع امنیت ملی زمانی پایدار خواهد ماند که هر دو سطح داخلی و خارجی از قرار گرفتن در معرض بحران‌ها و تهدیدها در امان باشد و این هدف فقط زمانی تامین می‌شود که نظم امنیتی در داخل و در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی حفظ شود. برای دستیابی به این هدف کشورها در کنار استفاده از منابع نظامی، اقتصادی، اجتماعی و ... از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های سیاسی و دیپلماتیک خود نیز استفاده می‌کنند تا به منافع و امنیت ملی خود مصونیت ببخشند (طاهری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲). هرگونه فروپاشی نظم موجود به صورت بالقوه می تواند زمینه ساز ایجاد تروریسم باشد لذا راهبرد حفظ نظم و امنیت ملی و بین المللی یکی از راهبردهای مقابله با تروریسم می باشد. برخی جوامع ممکن است به منظور پیشگیری از برزوز بی نظمی سیاسی حتی حکومت های پادشاهی موروثی را بر حکومت دموکراتیک ترجیح دهند

۳-۲-۲. مشارکت یا ایجاد ائتلاف بین‌المللی

بر اساس شواهد علمی مواجهه با پدیده‌هایی چون تروریسم از توانایی‌های یک کشور فراتر است و تلاش‌های یکجانبه دولت‌ها چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم نیز چندان مؤثر نبوده است. در واقع ریشه‌کنی تروریسم یا پدیده‌های امنیتی دیگر در منطقه یا در سطح بین‌المللی تنها زمانی اتفاق خواهد افتاد که کشورها اقدامات مشترکی را در قالب برنامه منسجم و بلندمدت در پیش بگیرند. نزدیک شدن هرچه بیشتر کشورها به هم در عین حال که باعث همگرایی آنها و کاهش احتمال بروز پدیده‌هایی چون تروریسم می‌شود، باعث تقویت توانایی‌ها در مبارزه با آنها نیز خواهد شد و بنابراین ائتلاف سیاسی فاکتور مهمی هم در تقویت همکاری و همبستگی منطقه‌ای و بین‌المللی و هم در تقویت مواجهه با بحران‌ها و تهدیدهای امنیتی از جمله تروریسم است (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۸). لذا دولت‌ها در راستای هم افزایی توان دفاعی خود به ائتلاف‌های منطقه ای و جهانی علیه پدیده تروریسم روی می آورند.

۴-۲-۲. احترام به استقلال و تمامیت ارضی واحدهای سیاسی دیگر

اصل تمامیت ارضی در حقوق بین‌الملل اصلی است که بر مبنای آن یک کشور در پهنهٔ بین‌المللی خواهان احترام به سرزمین یا قلمرو کشورهای دیگر است. این اصل بیانگر این است که سرزمین یک کشور هیچگاه نباید مورد تجاوز، تهاجم یا تجزیه غیرقانونی قرارگیرد. اصل تمامیت ارضی به این معناست که قلمرو کشور به صورت یک کل مصون و تجزیه‌ناپذیر است و نمی‌تواند با توسل به زور از خارج دگرگون یا تجزیه شود. منشور ملل متحد تمام اعضای خود را مکلف می‌سازد که از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی دولت‌ها خودداری کنند. بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد می‌گوید «همه اعضا در مناسبات بین‌المللی خود از هرگونه تهدید یا به کارگیری زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک کشور که با اهداف سازمان ملل متحد مغایرت دارد، خودداری می‌کنند». بر این اساس هرگونه فشار نظامی، اقتصادی، سیاسی و ... بر ضد تمامیت ارضی یک دولت نارواست. قلمرو یک کشور هیچگاه نباید مورد اشغال نظامی قرار گیرد. هر تسلطی بر یک سرزمین یا اشغال آن که نتیجهٔ کاربرد زور یا تهدید به آن باشد، غیر قانونی است. اصل احترام به استقلال و تمامیت ارضی در اسناد سازمان‌های منطقه‌ای نیز مورد تاکید قرار گرفته است. این اصل شامل همه قلمرو کشور؛ قلمرو زمینی، زیرزمینی، دریایی و هوایی می‌شود و منابع و دارایی‌های زیرزمینی یک کشور جزو جداناپذیر سرزمین آن هستند.

۵-۲-۲. عدم مداخله در امور کشورهای دیگر

ضعف داخلی جوامع و توسعه نیافتگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنها، وجود شکاف‌های اجتماعی و انواع تبعیض و عدم توانایی حکومت‌ها در رفع این مشکلات، زمینه دخالت قدرت‌های بزرگ در امور داخلی کشورهای دیگر را فراهم کرده است. بر این اساس برای مقابله با پدیده‌هایی مانند گروه‌های تروریستی دولت‌های هر منطقه باید زمینه کاهش دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای در معادلات سیاسی- امنیتی منطقه و حمایت آنها از برخی گروه‌های تروریستی را محدود کنند (Metz and Millen, 2004: 2). بررسی تحولات دهه های اخیر نشان می دهد که بسیاری از گروه‌های تروریستی در نتیجه مداخله کشورها در امور یکدیگر به وجود آمده اند

۳-۲. راهبردهای اقتصادی-مالی

یکی از راهبردهای اساسی که به ویژه در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه کشورها برای مقابله با تروریسم قرار گرفته راهبردهای اقتصادی و مالی است که از مقابله با تامین مالی تروریست‌ها تا افزایش حمایت اقتصادی از اقشار آسیب‌پذیر در مقابل گروه‌های تروریستی و حتی کمک به برنامه‌های توسعه اقتصادی کشورها برای جلوگیری از افتادن به دام گروه‌های تروریستی را در بر می‌گیرد.

۱-۳-۲. مقابله با تامین مالی

یکی از راه‌های مبارزه با پدیده تروریسم، مبارزه با تامین مالی آن است. به این منظور کشورها خود به طور مستقیم یا از طریق سازمان ملل متحد مبادرت به تهیه اسناد و مقرراتی جهت مسدود نمودن راه‌های تأمین مالی تروریسم نموده‌اند. از نظر اهمیت و اعتبار شکلی و وصف الزام‌آور آنها، قطعنامه‌های شورای امنیت، به ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ مصوب ۲۰۰۱، در وهله اول اهمیت قرار دارند. در وهله دوم، کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) تدوین شده توسط سازمان ملل متحد است. سپس توصیه‌های ویژه هشتگانه و نیز برخی از توصیه‌های مرتبط چهل‌گانه گروه اقدام مالی می‌باشد. اگرچه توصیه‌های گروه اقدام مالی برخلاف قطعنامه ۱۳۷۳ از پشتوانه ماده ۲۵ منشور ملل متحد برخوردار نیستند، ولی از نظر عملی واجد اهمیت بسیارند. مفاد این اسناد به گونه‌ای تنظیم شده که هریک مکمل و در مواردی تکرار دیگری است. به گونه‌ای که طبق ماده ۲۵ منشور ملل متحد، اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ اجباری است. از طرف دیگر، طبق این قطعنامه از کشورهای عضو ملل متحد خواسته شده تا به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تامین مالی تروریسم ملحق شوند. تصویب و اجرای کنوانسیون نیز مستلزم تصویب قانونی داخلی است که باید مطابق قواعد و استانداردهای مقرر در کنوانسیون تدوین شده باشد (طیبی فرد، ۱۳۸۴: ۲۵۹). گروه های تروریستی با استفاده از شیوه های بسیار پیچیده نیازهای مالی خود را تامین می کنند لذا مسدود کردن این منافذ مالی امری دشوار می باشد و موفقیت در در این امر بستگی تامی دارد به توانایی کشورها به تصویب مقررات منطبق با استانداردها و بایسته‌های جهانی و همین طور برقرار سازو کارهایی برای اجرای کامل این مقررات.

۲-۳-۲. از بین بردن دارایی یا توانایی مالی تروریست‌ها

مبارزه با تأمین مالی تروریسم هدف بزرگی است و موفقیت در این امر بستگی زیادی به توانایی کشورها در تصویب مقررات منطبق با استانداردها و بایسته‌های جهانی و همین طور برقراری ساز و کارهایی برای اجرای کامل این مقررات دارد. هر چند نمی‌توان یک الگوی عام برای برخورد با این مشکل به همه کشورها توصیه کرد، اما به منظور مبارزه با توانایی مالی تروریست‌ها، هنجارها و بایسته‌های بین‌المللی گوناگونی پیش روی کشورهاست. این قواعد و مقررات بین‌المللی طیف گسترده‌ای دارند و از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و کنوانسیون‌های بین‌المللی متضمن قواعد آمره الزام‌آور تا توصیه‌های سیاستی مانند توصیه‌های ویژه هشت گانه گروه اقدام مالی در مورد مبارزه با تأمین مالی تروریسم را در بر می‌گیرند (سمیعی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۶).

۳-۳-۲. تحریم گروههای تروریستی یا افراد موثر آنها

تحریم مجموعه اقداماتی است که یک یا چند بازیگر بین‌المللی بر یک یا چند بازیگر دیگر به منظور تحقق یک یا چند هدف، تنبیه طرف مقابل برای جلوگیری از اقدام برای مواردی که برای تحریم کننده ارزش دارد یا وادار ساختن طرف مقابل به رعایت بعضی هنجارها که برای طرف اقدام کننده مهم است، اعمال می‌کنند. تحریم‌ها علاوه بر اثرات منفی فراوان بر سیاست‌ها و برنامه‌های کلان دولتی، به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر شهروندان کشورها و حق آنان در برخورداری از سلامتی تأثیر منفی داشته‌اند که این امر مغایر با اصول و ارزش‌های عام و جهان شمول حقوق بشر است(آلکجباف و انصاریان، ۱۳۹۳: ۱۱). یکی از نتایج تأسیس حقوقی تحریم هوشمند، شکل گیری مفهومی جدید در حقوق بین‌الملل، تحت عنوان تحریم اشخاص حقیقی است. در این نوع تحریم مسئولین دولت جایگزین تحریم دولت مسئول می‌شوند تا از این طریق ریسک آسیب‌پذیری شهروندان کاهش یابد. تحریم اشخاص حقیقی، نخستین بار با تحریم افراد و گروه‌های متهم به تروریسم بین‌المللی شکل گرفت و بعداً به استناد برخی فعالیت‌های نظامی و نقض حقوق بشر توسط برخی مسئولین ادامه یافت. موضوع این تحریم‌ها شامل تحریم‌های مالی، مسافرتی، تحصیلی و غیره می‌شود. منظور از تحریم افراد، تحریم دانشمندان و متخصصان، بازرگانان، بانک داران و ثروتمندان، افراد مسئول در پست‌های تصدی‌گری دولتی مانند مسئولان کشتیرانی را شامل می‌شود. بر اساس این راهبرد، کشورها کلیه روابط خود را با کشورهایی که به هر نوعی از تروریسم حمایت می‌کنند، قطع می‌کنند. این امر موجب انزوای کشور مدنظر شده و با توجه به قطع روابط تجاری و مالی، مقدار قابل

توجهی از درآمدهای این کشور کاسته می‌شود و دیگر مانند قبل نمی‌تواند بودجه‌های مالی تروریست‌ها را تأمین کنند (صبوری‌پور و علی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۴۲). هدفمند ساختن تحریم ها امری دشوار است و معمولاً بیش از آنکه مانع تروریسم شود، زندگی شهروندان عادی را تحت تأثیر قرار می دهد به عنوان مثال مقابله با گروه های نظیر القاعده یه عنوان یکی از موانع توسعه افغانستان عمل کرده است.

۲-۳-۴. تنبیه و کیفر مالی

یکی از روش‌هایی که می‌تواند در مهار تروریسم مؤثر واقع شود، استفاده دولت‌ها از مجازات مالی است. با توجه به اصول کلی حقوق جزا، دادگاه‌ها می‌توانند به جای کیفرهای سلب کنندهٔ آزادی، نسبت به ضبط درآمدها و نتایج حاصله از جرم یا آلات و ادواتی که برای ارتکاب جرم استفاده شده است یا قرار بوده از آنها به منظور ارتکاب بزه استفاده شود، به عنوان مجازات حکم صادر کنند. استفاده از مجازات مالی می‌تواند در مهار منابع مالی تروریست ها موثر واقع گردد. متناسب بودن این دسته از مجازات‌ها مورد تأیید کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین منابع مالی تروریسم مصوب ۱۹۹۹ است. در ماده ۲ کنوانسیون اقدام به جرم‌انگاری تأمین مالی اقدامات تروریستی شده و متعاقب آن در ماده ۴ از دولت‌های عضو خواسته شده است تا این جرایم را مطابق با قوانین داخلی خود کیفرگذاری کنند. طبق ماده ۸ نیز تمامی وجوهی که برای تأمین منابع مالی تروریست‌ها تخصیص می‌یابد، باید شناسایی و سپس مصادره و توقیف شوند. لذا در این مواد استفاده از کیفرهای مالی نسبت به اشخاص حقیقی و نیز نسبت به اشخاص و نهادهای حقوقی امری معمول قلمداد شده است. تروریست‌ها در صورت نداشتن بودجه نمی‌توانند عملیات مجرمانه خود را با موفقیت اجرایی کنند. بنابراین کیفرهای مالی می‌توانند جنبه‌های ارعاب انگیز بسیار بالایی داشته باشند. همچنین اگر این کیفرها اعمال شوند، منابع حاصل شده، که به نفع خزانه‌های عمومی دولت‌ها است، می‌تواند در جهت مقابله با تروریسم استفاده شود و بخش اعظمی از هزینه‌های دولت‌ها در مقابله با تروریسم را پوشش دهند (صبوری‌پور و علی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۴۱).

۲-۳-۵. بهبود وضعیت اقتصادی

یکی از راهکارهای مبارزه با تروریسم بهبود وضعیت اقتصادی جامعه است. در جوامعی که وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم دچار مشکل باشد، تروریست‌ها به آسانی می‌توانند به جذب اعضای جدید بپردازند. بنابراین برای مقابله موثر با تروریسم نه تنها باید اقتصاد داخلی تقویت شود و وضعیت اقتصادی مردم بهبود یابد، بلکه با همگرایی اقتصادی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی زمینه اجتماعی گرایش به تروریسم در محیط امنیتی پیرامونی نیز از بین برود. این امر از یکسو مستلزم تقویت بخش خصوصی در داخل و از سوی دیگر نیازمند تمرکز بر رویکرد اقتصادی به جای رویکرد سیاسی-امنیتی در سیاست خارجی است (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۹). با این اوصاف شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری و ارزی و گسترش مناسبات اقتصادی و تجاری با کشورهای دیگر که در نهایت به پیشبرد توسعه اقتصادی کمک می‌کند نقش مهمی در جلوگیری از گرایش افراد و گروه‌های مختلف جامعه به تروریسم دارد (یوسفی صادقلو و دانشجو، ۱۳۹۵: ۶۴). دولت ها برای پیشگیری از عضویت شهروندان خود در گروه های تروریستی باید به اقداماتی نظیر ارتقاء شاخص های اقتصاد کلان، کاهش هزینه های خانوار، کاهش تورم، افزایش ضریب اشتغال نیروی انسانی و تأمین زیرساخت های توسعه بپردازند.

۲-۳-۶. مقابله با فقر و محرومیت

یکی از دلایل اصلی که زمینه ظهور گروه‌های تروریستی را فراهم می‌کند وجود فقر و محرومیت است. بسیاری از گروه‌های تروریستی نیروهای خود را از بین افرادی جذب می‌کنند که از وضعیت اقتصادی زندگی خود به شدت ناراضی هستند و از ارتقای کیفیت زندگی خود، برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی و دستیابی عادلانه به خدمات دولتی ناامید شده‌اند. بیشتر جوانانی که جذب گروه‌های تروریستی همچون داعش شده‌اند برآمده از قشر فقیر جامعه بوده‌اند. بنابراین، فقر و محرومیت بستر مناسبی برای رشد گروه‌های تروریستی و عاملی برای تقویت آنهاست که اگر مورد توجه قرار گیرد نه تنها گروه‌های تروریستی را محدود می‌کند، بلکه حتی مانع از شکل‌گیری و گسترش آنها می‌شود. این راهبرد نه تنها

کاهش زمینه بروز و ظهور تروریسم را در پی دارد، بلکه باعث افزایش مشروعیت نظام سیاسی و تقویت توانایی آن برای مقابله با هر تهدید دیگری نیز می‌شود (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۴). فقر مطلق آستانه تحمل شهروندان را کاهش می‌دهد و احتمال گرایش به سمت گروه‌های تروریستی را بالا می‌برد لذا رفع فقر مطلق، کاهش فقر نسبی، ایجاد اشتغال پایدار و محرومیت زدایی از جمله راهکارهای مقابله با تروریسم قلمداد می شود.

۲-۳-۷. ایجاد ثبات اقتصادی

مطالعات کارشناسان متعدد و تحلیل‌های انجام شده بر اساس آن مطالعات و همچنین تجربه گران‌سنگ صاحب نظران و متخصصان حاکی از آن است که رشد و توسعه اقتصادی و سیاسی در پرتو استحکام و ثبات در سیاست‌ها، قوانین و مقررات و تصمیمات صحیح و منطقی در سطح ملی و بین‌المللی حاصل می‌گردد. بر این اساس ثبات و پایداری اقتصادی که خود از پیامدهای مهم ناشی از سیاست‌های منطقی مبتنی بر واقعیت‌های موجود در ارتباطات بین‌المللی است، به طور مستقیم بر بهبود و ارتقای محیط فعالیت و کسب و کار مؤسسات و آحاد مردم تأثیرگذار است. وقتی ثبات اقتصادی شکل بگیرد به طور طبیعی پس لرزه‌ها و مشکلاتی همچون قاچاق و گسترش آن نیز مدیریت می‌شود و باعث ایجاد یک وضعیت اجتماعی منسجم می‌شود. در چنین شرایطی طبعاً تروریسم امکان بروز و ظهور کمتری دارد و حتی در صورت بروز و ظهور هم راحت‌تر می‌توان با آن مقابله کرد.

۲-۴. راهبردهای فرهنگی-اجتماعی

راهبردهای فرهنگی-اجتماعی مقابله با تروریسم نیز دو وجه سلبی و ایجابی دارند. وجه سلبی این راهبردها بر کاهش جاذبه‌های فرهنگی و عقیدتی گروه های تروریستی تمرکز دارند و وجه ایجابی فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی به منظور ترجیح دادن وضع موجود بر پیوستن به تروریست ها را در بر می گیرد که در ادامه به بررسی اجمالی آنها می‌پردازیم.

۲-۴-۱. جلوگیری از جذب نیروهای جدید

تروریست ها (از جمله داعش) نه تنها کسانی که به دنبال تجربه جنگ کردن هستند را جذب می‌کنند، بلکه کسانی را که عقاید مذهبی بنیادگراتر و سرسخت‌تر دارند نیز به خود جذب می‌کنند (Kazinform Internation New Agency, 2017). این امر، مشکل بزرگی برای دولت‌هایی است که می‌خواهند با این گروه یا امثال آن مقابله کنند. یکی از مشکلات کشورهایی مثل عراق و سوریه این است که اگر جذب نیرو برای داعش ادامه یابد، ارتش‌های منطقه نخواهند توانست این گروه تروریستی را شکست دهند. در واقع گروه‌های تروریستی مانند داعش برای کنترل اعضای خود رشته‌ای از روش‌های روان‌شناختی را به کار می‌برند که اصطلاحاً روش "کنترل ذهن و شستشوی مغزی" نامیده می‌شود. این گروه‌ها پس از فریب دادن افراد و جذب آنها به گروه، در مرحله آموزش و همچنین در زمان به کارگیری و بهره‌کشی از اعضا از روش‌های کنترل ذهن بهره می‌گیرند. بنابراین برای جلوگیری از پیوستن افراد به این گروه‌ها بیش و پیش از هر چیز باید فرایند تخریب شخصیت و ذهن آنها را اصلاح کرد و آنها را به جامعه برگرداند (احمدی و شاه‌حسینی، ۱۳۹۴: ۲) دولت ها به منظور مقابله با تروریسم باید مصونیت فرهنگی ایجاد کنند. این مصونیت نیازمند اقداماتی در راستای افشای ماهیت واقعی گروه های تروریستی، اطلاع رسانی در مورد بنیادهای عقیدتی تروریست ها و آموزش مردم در زمینه عقاید دینی می باشد.

۲-۴-۲. جلوگیری از گفتمان‌سازی

مسأله اصلی در تحلیل گفتمان تروریسم این است که چگونه این مفهوم به واسطه جایابی و نزول در درون شبکه‌ای از روابط قدرت و دانش به عنوان سوژه تشکیل می‌شود. در واقع تروریسم عمیقاً با روابط قدرت درآمیخته شده و همپای پیشرفت اعمال قدرت پیشروی می‌نماید. بنابراین

برای جلوگیری از گفتمان‌سازی توسط گروه‌های تروریستی بیش و پیش از هر چیز باید روابط آنها با قدرت در درون گفتمان و پیوند گفتمان آنها با حوزه‌های غیرگفتمانی را گسست (عسگریان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۴).

۳-۴-۲. قطع ارتباط تروریست‌ها با جامعه و نخبگان

«الهام شاهین»، استاد عقیده و فلسفه دانشگاه مصر می‌گوید داعش به تحصیل‌کردگان متوسل می‌شود؛ زیرا در این زمینه مطالعاتی دارد و به صورتی حساب‌شده برنامه‌ریزی می‌کند تا بتواند نیروهای توانمندی را جذب خود کند. این مسئله به اهداف درازمدت این گروه بستگی دارد؛ زیرا این تشکیلات سعی می‌کند یک دولت گسترده را تأسیس کند که مدیریت آن بر اساس تکنولوژی جدید باشد. طبعا چنین هدفی جز با داشتن نیروهای تحصیل‌کرده که دارای سطح علمی بالایی باشند، امکان‌پذیر نخواهد بود. داعش از طریق شکافی که در خانواده‌های این افراد به وجود آمده وارد می‌شود؛ یعنی از همان جایی که اینها می‌خواهند خود را از یک زندگی بد خلاص کنند و به یک زندگی دیگر (دنیوی یا اخروی) دست پیدا کنند. داعش به این شیوه است که کارهای خود را پیش می‌برد. ولی این تنها تشکیلات داعش نیست که دلایلی برای جذب دارد؛ بلکه عوامل دیگری هم هست که به آنها عوامل دفع می‌گوییم؛ یعنی موضوعاتی که این جوانان را به سمت این‌گونه تشکل‌ها می‌راند. یکی از آنها جهل دینی این افراد است و دیگری ضعف آموزش‌های دینی در کشورهای غربی. اینها موضوعاتی اساسی است که تشکیلات داعش و امثال آن بر روی آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند. بنابراین برای قطع ارتباط جامعه و به ویژه نخبگان با تشکیلاتی مانند داعش باید آگاهی افراد جامعه را افزایش داد و بدین ترتیب مانع از افتادن آنها به دامان تروریسم شد (حاجیانی و کریمی شیرودی، ۱۳۹۳: ۶۱).

۴-۴-۲. تغییر نگرش جامعه

همچنان که گفته شد از زاویه فرهنگی و اجتماعی یکی از دلایل اصلی گسترش تروریسم نوع نگرش جامعه به آن است. در واقع تروریست‌ها زمانی می‌توانند در یک جامعه به تروریج عقاید خود بپردازند که اعضای جامعه به آنها اقبال نشان دهند. در مقابل برای آنکه بتوان با تروریسم مقابله کرد تغییر نگرش جامعه به آنها بیش از هر چیز دارای اهمیت و اولویت است. به عبارت دیگر تغییر نگرش جوامع محلی به بسیاری از مسائل از جمله ماهیت فعالیت گروه‌های تروریستی می‌تواند در کاهش تمایل آنان به جذب در این گروه‌ها و کنترل جوانان برای عدم عضویت در این گروه‌ها بسیار مثمر ثمر واقع شود.

۵-۴-۲. ارتقای سطح سواد و دانش جامعه

سواد و تحصیلات یکی از عوامل مهم پیشرفت بشر در جهان امروز است. پیشرفت تکنولوژی، صنعت، بهداشت و علوم مختلف مدیون این عامل مهم است. بی‌سوادی در تمام ابعاد زندگی انسان می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد، مخصوصاً در بهداشت، رشد اقتصادی، رشد فرهنگی، رشد و تربیت فرزندان، رشد اشتغال و ... . مطالعات نشان داده است که معمولاً افرادی که در سطح پایین اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زندگی می‌کنند، سطح تحصیلات کمتری نسبت به افراد همسال خود دارند و میزان تحصیلات در این خانواده‌ها به شدت افت پیدا می‌کند (رستمی، ۱۳۹۳: ۱). در واقع همچنان که میان فقر و افزایش تمایل به گروه‌های تروریستی رابطه وجود دارد، میان میزان تحصیلات و میزان گرایش به این گرئه‌ها نیز رابطه برقرار است. با این اوصاف مقابله با گروه‌های تروریستی مستلزم ارتقای سطح سواد و دانش جامعه است.

جدول ۱: چارچوبی برای مقایسه رویکردها و راهبردهای مقابله با تروریسم

رویکردها (اهداف)	راهبردها (کنش‌ها)	شاخص‌ها (تاکتیک‌ها/روش‌ها/ابزارها)
نظامی-دفاعی	تهاجمی	جنگ فراگیر / اقدام پیش‌دستانه / اقدام پیشگیرانه
	تدافعی/بازدارندگی	پس گرفتن سرزمین / دفاع هوایی یا موشکی / عقب راندن تروریست‌ها از مرز
سیاسی-دیپلماتیک	تغییر وضع موجود	حمایت از حرکت‌ها و جنبش‌های اجتماعی مخالف نظم موجود
	حفظ وضع موجود	حفظ نظم امنیتی موجود/ مشارکت یا ایجاد ائتلاف بین‌المللی / احترام به استقلال و تمامیت ارضی واحدهای سیاسی دیگر / عدم مداخله در امور کشورهای دیگر
اقتصادی-مالی	مقابله واکنشی	از بین بردن دارایی یا توانایی مالی تروریست‌ها/ تحریم افراد شاخص یا کل گروه/ تنبیه و کیفر مالی
	مقابله فعال	مقابله با فقر و محرومیت/بهبود وضعیت اقتصادی/ایجاد ثبات اقتصادی
فرهنگی-اجتماعی	کاهش جاذبه (سلبی)	جلوگیری از جذب نیروهای جدید/ جلوگیری از گفتمان‌سازی/ قطع ارتباط تروریست‌ها با جامعه و نخبگان
	آگاهی‌بخشی (ایجابی)	تغییر نگرش جامعه / ارتقای سطح سواد و دانش جامعه

نتیجه‌گیری

مرور ادبیات موجود در موضوع مقابله با تروریسم در این پژوهش به وضوح حکایت از ضرورت تفکیک میان رویکردها و راهبردها دارد. در واقع برای درک و مقایسه شیوه‌های مقابله با تروریسم باید میان این سطوح تفکیک قایل شویم. بر این اساس در سطح رویکردی ما با حداقل چهار رویکرد نظامی-دفاعی، سیاسی-دیپلماتیک، اقتصادی-مالی و فرهنگی-اجتماعی مواجه هستیم. هر کدام از این رویکردها را حداقل در قالب دو راهبرد اساسی می‌توان با یکدیگر مقایسه نمود. بر این اساس در رویکرد نظامی-دفاعی شامل دو راهبرد تهاجمی و تدافعی می‌شود. در رویکرد سیاسی-دیپلیماتیک از دو راهبرد حفظ یا تغییر وضع موجود، در رویکرد اقتصادی-مالی از دو راهبرد واکنشی یا فعال و در رویکرد فرهنگی-اجتماعی از دو راهبرد سلبی یا ایجابی می‌توان سخن به میان آورد.

تروریسم پدیده‌ای چند بعدی است و مقابله با آن نیز اقدامات همه چانبه را می طلبد.تردیدی نیست که بدون کار فرهنگی و اجتماعی نمی توان صرفا از طریق عملکلیات نظامی و یا فعالیت های دیپلماتیک مانع گسترش تروریسم شد.

منابع:

- آلکجباف، حسین و مجتبی انصاریان (۱۳۹۳)، «تأثیر تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه بر ایران از منظر حق بر سلامت شهروندان ایرانی»، **فصلنامه حقوق پزشکی**، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۱۱-۵۰.

- احمدی، احسان و سمیه شاه‌حسینی (۱۳۹۴)، **در قلمرو سایه‌ها، جستارهایی در روان‌شناسی فرقه‌ها**، تهران: نشر نارگل، ۴.

- افتخاری، اصغر و علی شبستانی (۱۳۹۰)، «راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم»، **فصلنامه آفاق**، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۵-۳۶.

- ایزدی، حسن و علی اکبر دبیری (۱۳۹۲)، «ارزیابی جغرافیای تروریسم در جنوب شرقی ایران»، **فصلنامه ژئوپلتیک**، سال نهم، شماره ۱.

- ایمانی، همت، فرشید دیلمقانی و حدیث روشنی (۱۳۹۷)، «رهیافت چندجانبه‌گرایی؛ رویکردی کارآمد برای مبارزه با تروریسم در جهان اسلام (با تأکید بر همکاری ایران، ترکیه، مصر و عربستان)»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال هفتم، شماره ۲، صص ۸۷-۱۱۴.

-بوزان، باری (۱۳۷۸)، **مردم، دولتها و هراس**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۱)، **نظریه های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها**، تهران: نشر سمت.

- حاجیانی، ابراهیم و محسن کریمی شیرودی (۱۳۹۳)، «راهبردهای ضدتروریسم در ایران: رویکرد فرهنگی»، **فصلنامه آفاق امنیت**، دوره ۷، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۹۳.

- دلاپورتا، دوناتلا و ماریو دیانی (۱۳۹۰)، **مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی**، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.

- راجرز، پل (۱۳۹۰)، **تروریسم در درآمدی بر بررسی های امنیت**، ویراسته پل.دی ویلیامز، ترجمه علیرضا طیا، تهران: نشر امیرکبیر.

- رستمی، رقیه (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان»، نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی.

- سمیعی اصفهانی، علیرضا، سجاد بهرامی مقدم و داود افشاری (۱۳۹۴)، «مبارزه با تأمین مالی تروریسم در پرتو اسناد بین‌المللی»، **فصلنامه علمی- ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس**، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۰۷-۱۳۶.

- صبوری‌پور، مهدی و شیما علی‌پور (۱۳۹۷)، «پیشگیری از تروریسم از طریق مبارزه با تأمین منابع مالی»، **فصلنامه دیدگاه حقوقی قضایی**، دوره ۲۴، شماره ۸۴، صص ۱۲۵-۱۴۶.

- طاهری، زهرا، رسول ربانی و مهدی ادیبی سده (۱۳۹۱)، «رابطه نقش پلیس و احساس امنیت در شهر اصفهان سال ۱۳۸۸»، **پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی**، سال اول، شماره ۱، صص ۲۱-۳۸.

- طیب، علیرضا (۱۳۸۲)، **تروریسم؛ تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق**، تهران : نشر نی.

- طیبی‌فرد، امیرحسین (۱۳۸۴)، «مبارزه با تامین مالی تروریسم در اسناد بین‌المللی»، **نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران**، شماره ۳۲، صص ۲۵۹-۳۰۵.

- عسگریان، عباسقلی و دیگران (۱۳۹۴)، «تحلیل گفتمانی نگاه بازیگر آمریکایی و ایرانی به مفهوم تروریسم»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال پنجم، شماره ۲، صص ۱۴۵-۱۸۳.

- قاسمیان، علی و علی فلاح نژاد (۱۳۸۷)، «استراتژی جنگ پیشگیرانه ایالات متحده آمریکا علیه عراق در بوته نقد»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۰۳ -۱۲۰.

- یعقوبی، غلامحسین، پرویز قاسم‌زاده یجندی و محمد علی محمدی (۱۳۹۵)، « امنیت مرز و نقش قوم بلوچ در کاهش جرایم تروریستی در استان س و ب (با تاکید بر مرزهای شهرستان سراوان)»، **همایش ملی پیشگیری از جرم در قلمرو مطالعات حقوق کیفری، علوم اجتماعی و انتظامی**.

- یوسفی صادقلو، احمد و حامد دانشجو (۱۳۹۵)، **چالش ها و کاستی های مبارزه با پولشویی در حقوق ایران**، تحقیقات حقوق خصوصی وعمومی، شماره ۲۹، صص ۵۳-۷۳.

لاتین:

- Buzan, Barry (2006), "The 'War on Terrorism' as the New 'Macro-Securitization?", **Paper presented at Oslo workshop,** 2- 4 February.

- DOD, Department of Defense Dictionary of Military and Associated Terms ,12 April 2001,(As Amended Through 19 August 2009) ,p .39.

- Kazinform International New Agency (2017), "President: Kazakhstanis to lose Citizenship for Joining ISIS". Available at: http://www.inform.kz/en/presidentkazakhs tanis-to-lose-citizenship-for-joining-isis_a3015994.

- Metz, s. & Millen, R (2004), "Insurgency and Counterinsurgency in the 21st Century: Conceptualizing Threat and Response", Strategic Studies Institute. 35.

- Nacos, Brigitte L (2005), "Terrorism and Counterterterrorism: Penguin Academics".

- Serfim, Ana (2005), "Terrorism-A Cultural Phenomenon?", **The Quarterly Journal, Spring**